

جلوه‌های چهره در دیوان امیر خسرو دهلوی و عبدالرحمان جامی

ترتیب:

گل بهار رضایی و

سرشناسه	: رضایی اجیرلو، گل بهار، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور	: جلوه‌های چهره در دیوان امیر خسرو دهلوی و عبدالرحمان جامی / مولف: گل بهار رضایی اجیرلو
مشخصات نشر	: اردبیل: انتشارات نایاب، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۰ص:
شابک	: ۷-۶۹-۸۰۴۴-۶۰۰-۹۷۸-۲۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: امیر خسرو، خسروین محمود، ۶۵۱ - ۷۲۵ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	: جامی، عبدالرحمن بن احمد، ۸۱۷ - ۸۹۸ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	: Amir Khosrow, Khosrow Ebn Mahmud -- Criticism and interpretation
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۹ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- 15th century -- History and criticism
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۸ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- 14th century -- History and criticism
موضوع	: منظومه‌های سقائه -- تاریخ و نقد
موضوع	: Love poetry, Persian -- History and criticism
موضوع	: رمان‌های فارسی -- تاریخ و نقد
موضوع	: Romances -- History and criticism
موضوع	: Mystical verse stories, Persian -- History and criticism
موضوع	: زنان در ادبیات
موضوع	: Women in literature
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ع/۹۶/۴۰۰۹ P
رده بندی دیویی	: ۸۵۰/۰۰۸۳۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۷۰۴۴۹



جلوه‌های چهره در دیوان امیر خسرو دهلوی و عبدالرحمان جامی

مولف: گل بهار رضایی اجیرلو

ناظر فنی: جعفر حسینی‌فر

ویراستار علمی و ادبی: مینا معرفت اجرلو

ناشر: انتشارات نایاب

طراح روی جلد: حسین قربانی

صفحه آرای: فاطمه جوادی

قطع و تیراژ: وزیری، ۱۰۰۰ نسخه

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۹۵

ISBN: 978-600-8044-69-7

شابک: ۷-۶۹-۸۰۴۴-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

صحافی: افق

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مقدمه و پیشگفتار:

سپاس خدای را که حق ستایش او بالاتر از حد ستایش و نعمت‌های او فوق اندیشه ستایش‌گران است.

با توجه به کاربردی بودن این کتاب و البته مباحث ثقیل و پیچیده مطرح شده، بر آن شدیم تا با سعی و تلاش فراوان، اهم مطالب را با سبک ساده و به دور از پیچیدگی به نگارش در بیاوریم تا شفاف‌ی عبارت‌ها و تسهیل درک مطلب برای خواننده به سهولت میسر گردد.

در نگارش مطالب این کتاب، سعی کردیم که از جدیدترین منابع و مقالات منتشر شده استفاده کنیم.

ما خود را از بهتر شدن کارمان بی‌نیاز نمی‌بینیم و نظراتتان را معیاری ارزشمند برای توجه و ارزیابی کارهای خود می‌دانیم؛ چرا که این آراء مایه بهتر شدن کارمان و در نتیجه رضایت بیش‌تر شما فرهیختگان خواهد بود. خوانندگان عزیز برای این منظور می‌توانید نظرات خود را از طریق ایمیل (bahar.rezayi@gmail.com) به اینجانب انتقال داده و ما را از انتقادات و پیشنهادات خود بهره‌مند سازید تا شالله در تجدید نظر بعدی بتوانیم کتاب را به شکل کامل‌تر و بهتری ارائه دهیم. در پایان از نشر نایاب که به چاپ این اثر همت گماشت، نهایت سپاس‌گزاری را دارم و برای آزار براری تعالی مزید توفیق در خدمات علمی و فرهنگی مسئلت می‌کنم.

بهار ۱۳۹۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۷	فصل اول: کلیات
۱۸	بیان مسئله
۲۰	اهداف تحقیق
۲۰	سوابق تحقیق
۲۲	فرضی‌های تحقیق
۲۲	روش تحقیق
۲۳	فصل دوم: مبانی نظری
۲۴	توصیف در ادبیات فارسی
۲۵	تقسیم‌بندی ادبیات توصیفی در ایران
۲۹	توصیف اندام عاشق و معشوق در ادب فارسی
۳۶	معانی رمزی اندام در ادبیات فارسی
۴۳	نماد
۴۴	مهم‌ترین ویژگی‌های نماد
۴۷	نمادهای ادبی
۴۸	نمادگرایی در زبان عرفانی
۴۹	ابداع و سنت در نمادگرایی عرفانی
۵۰	دسته‌بندی نمادها در عرفان
۵۲	فصل سوم: بحث و تحلیل
۵۴	بررسی جلوه‌های چهره در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی

۵۵	 کاربرد ابرو در دیوان امیر خسرو دهلوی
۵۸	 چوگان ابرو
۵۹	 ابرو در دیوان عبدالرحمن جامی
۶۳	 تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد ابرو در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۶۳	 بناگوش در دیوان امیر خسرو دهلوی
۶۵	 بناگوش در دیوان عبدالرحمن جامی
۶۶	 تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد بناگوش در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۶۷	 بینی در دیوان امیر خسرو دهلوی
۶۷	 بینی در دیوان عبدالرحمن جامی
۶۷	 پیشانی در دیوان امیر خسرو دهلوی
۶۷	 پیشانی در دیوان عبدالرحمن جامی
۶۷	 جبین در دیوان امیر خسرو دهلوی
۶۸	 جبین در دیوان عبدالرحمن جامی
۷۱	 تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد جبین در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۷۱	 چهره در دیوان امیر خسرو دهلوی
۷۳	 چهره در دیوان عبدالرحمن جامی
۷۶	 تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد چهره در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۷۶	 چشم در دیوان امیر خسرو دهلوی
۹۰	 چشم در دیوان عبدالرحمن جامی
۹۶	 تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد چشم در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۹۶	 خال در دیوان امیر خسرو دهلوی
۱۰۱	 خال در دیوان عبدالرحمن جامی
۱۰۵	 تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد خال در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۱۰۵	 خط در دیوان امیر خسرو دهلوی
۱۱۵	 خط در دیوان عبدالرحمن جامی
۱۲۵	 تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد خط در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۱۲۵	 بررسی دندان در دیوان امیر خسرو دهلوی

۱۲۸	دندان در دیوان عبدالرحمن جامی
۱۳۰	تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد دندان در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۱۳۱	دهان/ دهن در دیوان امیر خسرو دهلوی
۱۳۷	دهان در دیوان عبدالرحمن جامی
۱۴۱	تفاوت‌ها و تشابه‌های کاربرد دهان در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۱۴۱	رخ/ رخسار در دیوان امیر خسرو دهلوی
۱۵۵	رخ و رخسار در دیوان عبدالرحمن جامی
۱۶۲	تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد رخ در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۱۶۳	روی در دیوان امیر خسرو دهلوی
۱۷۵	روی در دیوان عبدالرحمن جامی
۱۸۲	تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد روی در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۱۸۲	بررسی زلف در دیوان امیر خسرو دهلوی
۲۰۴	زلف در دیوان عبدالرحمن جامی
۲۱۴	تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد زلف در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۲۱۴	زنخاندان در دیوان امیر خسرو دهلوی
۲۱۸	زنخاندان در دیوان عبدالرحمن جامی
۲۱۹	تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد زنخاندان در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۲۲۱	صورت در دیوان عبدالرحمن جامی
۲۲۱	تفاوت‌ها و تشابه‌های کاربرد صورت در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۲۲۱	طره در دیوان امیر خسرو دهلوی
۲۲۷	طره در دیوان عبدالرحمن جامی
۲۳۲	تفاوت‌ها و تشابه‌های کاربرد طره در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۲۳۳	عارض در دیوان امیر خسرو دهلوی
۲۳۸	عارض در دیوان عبدالرحمن جامی
۲۴۲	تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد عارض در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۲۴۲	عذرا در دیوان امیر خسرو دهلوی
۲۴۵	عذرا در دیوان عبدالرحمن جامی

۲۴۷	تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد غذا در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۲۴۷	غیب در دیوان امیر خسرو دهلوی
۲۴۹	غیب در دیوان عبدالرحمن جامی
۲۵۰	تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد غیب در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۲۵۱	گوش در دیوان امیر خسرو دهلوی
۲۵۲	گوش در دیوان عبدالرحمن جامی
۲۵۲	تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد گوش در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۲۵۲	گیسو در دیوان امیر خسرو دهلوی
۲۵۷	گیسو در دیوان عبدالرحمن جامی
۲۵۹	تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد گیسو در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۲۶۰	لب در دیوان امیر خسرو دهلوی
۲۷۵	لب در دیوان عبدالرحمن جامی
۲۸۲	تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد لب در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۲۸۲	مژه در دیوان امیر خسرو دهلوی
۲۹۱	مژگان در دیوان عبدالرحمن جامی
۲۹۶	تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد مژگان در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۲۹۷	موی در دیوان امیر خسرو دهلوی
۳۰۰	موی در دیوان عبدالرحمن جامی
۳۰۳	تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد موی در دیوان امیر خسرو دهلوی و جامی
۳۰۵	فصل چهارم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها
۳۰۶	نتیجه‌گیری
۳۰۶	پیشنهاد
۳۰۷	پیوست‌ها
۳۰۹	منابع

امیر خسرو دهلوی:

امیر ناصرالدین ابوالحسن، خسرو بن امیر سیف‌الدین محمود دهلوی، مشهور به «طوطی هند»، شاعر بزرگ فارسی‌گوی هند. امیر خسرو در ۶۵۱ ق. در دهلی و به قول برخی (نعمانی، ۱۳۶۳: ۷۷)، در مؤمن‌آباد (بیت‌اله امروزی)، از مضافات دهلی، از پدری ترک‌تبار به نام امیر سیف‌الدین محمود، مشهور به «سیف شمس»، که نوشته‌اند از امرای بلخ بوده است و مادری هندی ولادت یافت. امیر خود در یکی از اشعار خویش اشاره‌ای صریح به سال ولادتش یعنی همین سال ۶۵۱ دارد و می‌گوید:

کنون که ششده نادر و چار
مرازی و سه آمد نویدی و چهار

تاریخ (صفا، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۰۶)

دهلوی پس از وفات پدر، تحت تکفل نی‌ای مادری خود، عمادالملک، و داییش قرار گرفت و پرورشی شایسته یافت (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱۷). هنوز نوجوان بود که شعر گفتن آغاز کرد، چنان‌که در شانزده‌سالگی اشعارش را در سالن در مجالس می‌خواندند. از استادان او در ادب آگاهی نداریم. از زندگانی او همین قدر برمی‌آید که در خانه‌ی نی‌ای خود، عمادالملک، که مردی اهل دانش و فضل بود، از مصاحبت و استراحت فاضل و شعرا بهره‌مند بوده است (فریدونی، ۱۳۶۹: ۴۷). دیگر آنکه سروده‌هایش را بر دو تن، عمادالملک و ادیبی به نام «شهاب» یا «شهاب‌الدین»، که ظاهراً بر او سمت استادی داشته‌اند عرضه می‌کرده و از آن‌ها نظر می‌خواسته است و آنان در اشعار او اصلاحاتی می‌کرده‌اند. امیر خسرو در آغاز جوانی، به دربار غیاث‌الدین بلبن، فرمانروای دهلی (حک: ۶۶۴-۶۸۶ ق)، پیوست و جزو مصاحبان بغراخان و سپس علاءالدین محمد، پسر بزرگ غیاث‌الدین، درآمد، و در ملازمت آنان به بنگال و مولتان رفت (نک: شیمل، ج ۱: ۹۶۳). در ۶۸۴ ق، در حمله مغولان، دهلوی و امیر حسن دهلوی به اسارت درآمدند (نک: صفا، ج ۳: ۷۷۵).

امیر خسرو پس از آزادی به دهلی بازگشت و چندسال پس از آن، همراه حاتم خان، از امیران دولت هند، به اوده رفت. پس از مرگ سلطان غیاث‌الدین، در ۶۸۶ ق، ملازم دربار معزالدین کیقباد شد و لقب ملک‌الشعراء گرفت. پس از او، به دستگاه جلال‌الدین فیروز شاه خلجی (حک: ۶۸۹-۶۹۵ ق) تقرب جست و به فرمان او منصب امارت یافت و به لقب «امیر خسرو» مشهور شد و ریاست کتابخانه سلطنتی (مصحف‌داری) را نیز بر عهده گرفت (نعمانی،

ج ۲، ۸۶: ۱۳۶۳). امیر خسرو سپس به دستگاه علاءالدین خلجی (حک: ۶۵۹-۷۱۵ ق) پیوست. امیر بهترین اشعار خود را در روزگار این دو پادشاه سروده است. چندی پس از آن، به دربار قطب‌الدین مبارکشاه (حک: ۷۱۶-۷۲۰ ق) درآمد و در سال‌های آخر عمر، مدتی کوتاه، در خدمت محمد تغلق گذرانید (ریپکا و دیگران، ۱۳۶۵: ۳۸۳؛ صفا، ج ۳، ۱۳۵۵: ۷۷۶-۷۷۵).

امیر خسرو، با وجود دور بودن از کانون زبان فارسی، از تواناترین سخنوران زبان فارسی است. هنگامی که حاکم مولتان، علاءالدین محمد، به خواهش امیر خسرو، از سعدی، با فرستادن هدایای بسیار و همراه کردن نسخه‌ای از دیوان امیر، دعوت کرد که به مولتان سفر کند، سعدی پیروی و ناتوان را عذر آورد و نامه‌ای متضمن شعر یا اشعاری از خود و سخنانی در تحسین امیر خسرو را به علاءالدین فرستاد (قزوینی، ۱۳۶۲: ۶۲؛ نعمانی، ج ۲: ۱۰۴).

زرین کوب امیر خسرو را «شاعر بنی‌آفرین» و «منتقد برجسته‌ای» در زمینه ادب معرفی می‌کند که ملاحظات انتقادی خود را درباره شعر خود در آغاز برخی آثارش، مانند غره الکمال و بقیه نقیه، که در آنجا این ملاحظات کم و بیش جنبه علمی نیز دارد، آورده است. دانش گسترده‌ی او در حوزه‌های متنوع علوم و فنون و نیز تبخّر او در زبان فارسی، و زبانهای عربی و ترکی و سنسکریت و چند زبان بومی هند، از جمله پنجابی، غنا و تنوع خاصی به آثار نظم و نثر او بخشیده است. امیر خسرو در تحکیم و رشد ادب فارسی در هند نقش مهمی داشت، تا آنجا که آثار او را سرآغاز پیدایش لهجه‌ی خاصی حاصل از آمیزش فارسی و هندی و منشأ زبان اردو دانسته‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۲۵).

نخستین بار امیر خسرو الفاظ و امثال فارسی و اوزان عروضی شعر فارسی را وارد زبان هندی کرد. او را به سبب تلفیقی که از شعر فارسی و هندی کرده است، نخستین شاعر اردو دانسته‌اند. همچنین او نخستین شاعری است که در هند «بیاض» و منتخب اشعار ترتیب داده و بیست هزار شعر گزیده از اشعار به خط خود در آن ثبت کرده است. امیر خسرو به داشتن طبع روان و سرعت خیال شهرت داشته و در بدیهه‌سرایی چیره‌دست بوده است. نوشته‌اند امیر خسرو خمسه‌ی حدود ۱۸۰۰۰ بیتی‌اش را ظرف سه سال به نظم آورد. امیر خسرو از سبک سنایی و خاقانی و نظامی و سعدی پیروی کرده و، به‌ویژه، در غزل شیوه سعدی داشته است. همچنین در قصیده‌سرایی متأثر از کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و رضی‌الدین نیشابوری است و مانند خاقانی قصیده‌های بلند سروده و در یکی از آن‌ها نیز به

استقبال خاقانی رفته است. هنر گویندگی امیر خسرو بیشتر در قصیده جلوه کرده است تا در غزل. در غزل‌های او، که غالباً در بحرهای کوتاه سروده شده، سادگی بیان، لطافت خیال و غنای احساس چشمگیر است.

این غزل‌ها غالباً چاشنی زبان عامه دارد. برخی خصوصاً غزل‌های عرفانی او را نمونه استادی مسلم او در سخنوری شمرده‌اند. بعضی به تأثیر او در حافظ اشاره کرده و نخستین غزل‌های دیوان حافظ را ملهم از غزلیات امیر خسرو دانسته‌اند. زرین کوب آثار او را در ظهور سبک حافظ مؤثر ندیده و ارتباط میان آن دو را به بردمیدن سحر پیش از طلوع آفتاب مانند کرده است. بسیاری از غزل‌های حافظ، به لحاظ اسلوب و ساخت مضامین و تعبیرات و نیز وزن و قافیه و ردیف، مشابهت بسیار با غزل‌های امیر خسرو دارد، تا آنجا که در دوره‌های بعد اشعاری از او را از حافظیندگی به در دیوان وی وارد ساختند. با این همه، سخن‌سرایی او به شیوه دیگر شاعران فارسی‌زبان است، و همین شیوه است که بعدها سبک هندی را پدید آورد. آثار این شاعر تأثیر ژرفی در ادب فارسی سده‌های چهاردهم و پانزدهم داشت. زرین کوب خمسه او را تقلیدی شش‌برده از اثر سترگ نظامی و غیر قابل قیاس با کار او دانسته است و به نظر رپیکا اشعار امیر خسرو فاقد قوت و ژرفای اندیشه و کلام نظامی است و، برخلاف این شاعر، به فلسفه حیات و مسائل ذاتی اجتماعی نپرداخته است. امیر خسرو خود به برتری نظم نظامی اعتراف کرده و تنها همانا تسلیم از او را فضیلت خود شمرده است، اما به گفته جامی (ص ۱۰۶) در پرداختن خمسه، مقابل خمسه‌ی نظامی کسی نتوانسته است به پای امیر خسرو برسد. برخی محققان داستان‌های منظوم او را، در عین حال، گشاینده‌ی راه تازه‌ای در ادب فارسی و داستان‌سرایی رمانیک دانسته‌اند. در مثنوی‌های امیر خسرو، زندگی و فرهنگ عامه‌ی مردم هند و اوضاع مذهبی و اخلاقی و ادبی و هنری قرن‌های هفتم و هشتم ق. آن دیار به دقت و گویایی تمام تصویر شده است، چنان که می‌توان آثار او را آیینی تمام‌نمای تمدن اسلامی هند در قرون وسطی شمرد.

امیر خسرو ابتدا «سلطانی» تخلص داشت و در اکثر غزل‌های تحفه‌الصغر نیز همین تخلص را آورده است؛ اما سپس تخلص «خسرو» یا «طوطی» و «طوطی هند» را برگزید (سلطان‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۲۶). امیر خسرو در موسیقی و آوازهای هندی و ایرانی نیز دست توانایی داشته و آهنگ‌های هندی بسیاری ساخته که از آن میان آهنگ «قول» او معروف است (فریدونی، ۱۳۶۹: ۳۱).

افکار و عقاید امیر خسرو دهلوی:

تصوف آئین مورد علاقه‌ی مسلمانان آگاه زمان خسرو بود. خانواده امیر خسرو منسوب به سلسله چشتیه بودند و خود وی به حلقه ارادت شیخ نظام‌الدین اولیاء از معروف‌ترین مشایخ چشتیه، درآمد و بین آن دو پیوند عمیق مرید و مرادی برقرار شد (سلطان‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۲۵). توضیحاتی که امیر خسرو خود درباره‌ی تعلق خاطر و تقدم و تقرّبش در خدمت نظام‌الدین اولیاء داده نمایشگر مرتبه و مقامی است که در تصوف داشته تا بدانجا که «خرقه» از دست نظام اولیاء پوشید (صفا، ۱۳۷۱، ج ۳: ۷۶۱).

آثار امیر خسرو دهلوی:

درباره تعداد آثار امیر خسرو روایت‌های اغراق‌آمیزی نقل کرده‌اند. از قول او نوشته‌اند که شمار اشعارش از چهارصد هزار بیت بیشتر است (نک: نعمانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۰۰).

آثار منظوم فارسی او:

۱. دیوان امیر خسرو، شاه پنج‌مختار، هریک دارای دیباجة‌ای متضمن سوانح عمر و نکاتی در اسلوب شعری او به قلم خود شاعر، بدین قرار:

الف. تحفه‌الصغر: سروده‌های شانزده سالگی، شامل قصاید، غزلیات و ترجیع‌بندها و زندگینامه‌ی مشروح شاعر.

ب. وسط‌الحیات: سروده‌های شاعر از بیست و نه تا سی و دو سالگی، شامل قصاید، ترجیع‌بندها، قطعات، غزل‌ها و رباعی‌ها. قصاید این دیوان در ستایش و مراثی نظام‌الدین اولیاء و علاءالدین محمد و معزالدین کیقباد است.

ج. غره‌الکمال: سروده‌های ۳۴ تا ۴۳ سالگی او، شامل قصاید، ترجیع‌بندها و قطعات، با مقدمه‌ای مبسوط که در آن شرح زندگانی او به تفصیل آمده است.

د. بقیه‌نقیه: سروده‌های دوران پیری شاعر، شامل قصاید، ترجیعات، قطعات و رباعی‌ها و یک مثنوی کوتاه. این دیوان حاوی مدایحی است درباره‌ی علاءالدین محمد شاه و پسر او و بعضی امیران دیگر و نیز مرثیه در مرگ محمدشاه.

هـ. نهایه‌الکمال: سروده‌های واپسین سالهای حیات شاعر، مشتمل بر ترجیع‌بند و مثنوی و رباعی و غزل و نیز قصایدی در مدح سلطان غیاث‌الدین تغلق و مرثیه سلطان قطب‌الدین مبارکشاه.

و. دیوان غزلیات، که چند بار جمع‌آوری شده و در هند و پاکستان به چاپ رسیده است. نخستین چاپ آن در ۱۸۷۱ م. و بار دوم در ۱۳۹۲ ق. در لاهور منتشر شد. دیوان امیر خسرو بارها در هند و ایران تصحیح و چاپ شده است.

۲. خمسه امیر خسرو دهلوی شامل پنج مثنوی: مطلع‌الانوار، در برابر مخزن‌الاسرار نظامی؛ شیرین و خسرو، در برابر خسرو و شیرین؛ مجنون و لیلی، در برابر لیلی و مجنون نظامی؛ آیین اسکندری، در برابر اسکندرنامه نظامی؛ هشت بهشت، در برابر هفت پیکر نظامی.

۳. مثنوی‌های دیگر:

الف. قران‌السعدین، سروده ۶۸۸ ق. در شرح ماجرای ستیزگی معزالدین کیقباد با پدرش، ناصرالدین بغراخان، که به دلخیز انجامید. شاعر در این مثنوی، که بالغ بر ۳۹۴۴ بیت است، چند غزل با اوزان مختلف جای داده است و از عنوان‌های فصل‌ها و باب‌های آن نیز قصیده‌ای در بحر و مال به دست می‌آید. این منظومه از لحاظ تاریخ فرهنگ اجتماعی و وقایع هند حائز اهمیت است.

ب. مفتاح‌الفتوح (یا «فتح‌نامه» یا «فتوح‌نامه» یا «فتح‌الفتوح»). سروده ۶۹۰ ق. در شرح جنگ‌ها و فتوحات جلال‌الدین فیروزشاه خلجی. این منظومه یک بار همراه با غره‌الکمال و بار دیگر جداگانه، در ۱۹۵۴ م. در هند، به چاپ رسیده. این اثر را مرحوم صفا نیز جزو آثار امیر خسرو آورده‌اند.

ج. دُول‌رانی و خضرخان (یا «عشقیه» یا «عشقه»). سروده ۷۱۵ ق. در ۴۲۰۰ بیت؛ در شرح ماجرای عشق خضرخان، پسر علاءالدین محمد، به شاهزاده خانم دیول دی، دختر راجه‌ی گجرات، که به عقد ازدواج می‌انجامد. مقدمه‌ی این منظومه متضمن مطالب تاریخی در مورد نشر اسلام به دست غوریان و ممالیک آنان در هند است.

د. نه سپهر. سروده‌ی ۷۱۸ ق. در نه باب (سپهر)، و هریک مختوم به یک غزل. این منظومه، که به نام قطب‌الدین مبارکشاه خلجی به اتمام رسیده است، حاوی اطلاعاتی درباره‌ی طبیعت سرزمین هند و زبان هندی و اعتقادات هندوان است.

ه. تغلق‌نامه. در ذکر احوال غیاث‌الدین تغلق و تاریخ سلطنت و فتوحات او (سلطان‌زاده،

۴. جواهر خسروی. مجموعه‌ای از اشعار فارسی و هندی امیر خسرو، یا منسوب به او، که بیشتر در مسائل گوناگون و اطلاعات مختلف عمومی است، شامل چندبخش به نامهای نصاب «بدائع العجائب»، مثنوی «شهر آشوب» (مرکب از ۶۷ رباعی)، «خالق باری» و «چیستان» (صفا، ۱۳۵۵، ج ۳: ۷۸۵).

آثار منشور او:

الف. اعجاز خسروی، یا رسائل الإعجاز (۷۱۹ ق.) شامل ۵ رساله در قواعد نگارش و اصول دبیری و نثر نو، عی. این رسائل در شیوه ترسل منشیان هند تأثیر بسیار داشته است.
ب. افضل الزوائد. مجموعه‌ای از سخنان نظام‌الدین اولیاء، که در سالهای ۶۹۰ تا ۷۱۹ ق. نگاشته شده است.

ج. خزائن الفتوح، یا تاریخ علایی یا سرورالروح یا فتح‌نامه. این کتاب را به تقلید از تاج‌المآثر حسن نظامی پراخه و شامل حوادث عصر علاءالدین محمد خلجی تا ۷۱۱ ق. است. دولتشاه دو اثر دیگر از او، یکی درباره‌ی تاریخ و فضایل دهلی و دیگری درباره موسیقی، ذکر کرده است که از آن‌ها اطلاع در دست نیست. نثر امیر خسرو در این آثار هر چند صبغی متکلفان انشای دیوانی خسرو را دارد، حاکی از قدرت و مهارت فراوانی او در نویسندگی است (سلطان‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۲۷).

سال و محل وفات امیر خسرو دهلوی:

امیر خسرو سرانجام در ذیقعد سال ۷۲۵ ق. در دهلی درگذشت و در پایین آرامگاه نظام‌الدین اولیاء مدفون شد. آرامگاه وی، که در ۱۰۱۴ ق. بازسازی شد، همواره زیارتگاه بوده است (حجتی، ۱۳۷۶: ۵۲۵). ملّا شهاب مقمایی در واقعه‌ی وفات امیر خسرو این ماده تاریخ را به نظم درآورد:

آن محیط فضل و دیای کمال	میر خسرو خسرو ملک سخن
تلم او صافی تر از آب زلال	شراود گلش تر از ماء معین
طوطی سکر معال بی زوال	بلبل دستان سرای داود دین
چون ندام سر به زانوی خیال	از پی تاریخ سال فوت او

شده «حدی ام المثل» یک تاریخ او

دیگری شده «طوطی نکر مثال»

(صفا، ج ۳، ۱۳۷۱: ۷۷۶-۷۷۷)

زندگی‌نامه عبدالرحمن جامی:

نورالدین ابوالبرکات، عبدالرحمن بن نظام‌الدین احمد بن شمس‌الدین محمد حنفی ادیب و عارف و نامدارترین شاعر قرن نهم ق، ملقب به «خاتم‌الشعرا» است. وی از دودمان و ابساط امام محمد سیبانی است. ولادت حضرت ایشان علیه الرحمه و الرضوان در خرجرد جام بوده است. هنگام نماز خفتن هفت از شعبان مانده به سال ۸۱۷ هجری اتفاق افتاده. چنان‌که خود به این موضع در مقدمه‌ی دیوان فاتحه‌الشباب اشاره کرده و می‌گوید: چون مولد این فقیر ولایت جام است، که مرقد مطهر و مشهد معطر شیخ‌الاسلام احمد جامی قدس الله سره السامی آنجا است، و این معنی را رشحه‌ای از جام ولایت وی می‌دانند، تحقیق نسبت را به ولایت جام و جام را به ولایت سیح الاسلام، جامی تخلص کرده شد:

جرمی جام شیخ الاسلامی است

مولد جام در شهری قلم

معنی تخلص جامی است

لاجرم در جریده‌ی اشعار

(گیلانی، ۱۳۸۶: ۴-۳)

خانواده جامی از مردم محله‌ی «دشت» اصفهان بوده‌اند. پدر و جد او نظام‌الدین محمد و شمس‌الدین محمد، هر دو به علم و تقوا شهرت داشتند. پدر جامی از اصفهان به «جام» (از نواحی هرات) کوچید و در شعر نخست «دشتی» تخلص می‌کرد، ولی به مناسبت نام زادگاه خود و نیز به سبب ارادتش به شیخ الاسلام احمد جام نامقی، تخلص «جامی» را گزید.

جامی علوم رسمی را در هرات، در مدرسه نظامیه، نزد استادان نامور آنجا، مانند جنید اصولی، خواجه علی سمرقندی (شاگرد معروف سید شریف جرجانی) و محمد بدر جاجرمی فراگرفت. سپس به سمرقند، مرکز و پایتخت تیموریان، که در زمان آلغیگ میرزا، ملقب به علاءالدین (حک: ۸۵۰-۸۵۳ ق)، از مراکز بزرگ علمی آن دوره به شمار می‌آمد، رفت و در آنجا به حلقه درس قاضی‌زاده‌ی رومی، از حکما و دانشمندان نامی عصر، پیوست (نک: کاشفی سبزواری، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۳۶). پس از اقامتی حدوداً پانزده‌ساله در سمرقند، در

زمان حکمرانی ابوالقاسم معزالدولهی بایر بر خراسان (۸۲۵-۸۶۰ یا ۸۶۱ ق.)، به هرات بازگشت. در آن روزگار، دو سلسلهی پادشاهی بر ایران فرمان می‌راندند: شاهان تیموری، در مشرق ایران، که پایتخت آن‌ها سمرقند و هرات بود، و ترکمانان قراقویونلو و سپس آق‌قویونلو، در مغرب و جنوب ایران، که پایتختشان تبریز بود. جامی، در حکومت سلسلهی نخست، بخشی از زمان شاهرخ (حک: ۸۰۷-۸۵۰ ق.) و تمام دوره سلطنت سلطان حسین بایقرا (۸۶۱-۸۷۳ ق.) و در حکومت سلسله دوم، دوره جهانشاه قراقویونلو (حک: ۸۳۹-۸۷۲ ق.)، اوزون حسن آق‌قویونلو (حک: ۸۵۲-۸۸۲ ق.) و فرزند او، یعقوب بیگ (حک: ۸۸۳-۸۹۶ ق.) را درک کرد. پس از آنکه پادشاهی شرق ایران بر سلطان حسین بایقرا استقرار یافت، جامی تا پایان عمر تا حدی قرین آسایش و آرامش زیست و در مدتی نزدیک به ۲۵ سال بهترین آثار منظوم و منثر خود را پدید آورد. و پس از تکمیل علوم عقلی و نقلی و ادبی در هرات و سمرقند، به عرفان و سوف علاقه‌مند شد و به شوق سیر و سلوک، در هرات، به حلقه ارادتمندان سعدالدین ناشغری (متوفی ۸۶۰ ق.)، مرید و جانشین بهاءالدین نقشبند، مؤسس طریقه «نقشبندیه» درآمد و بعد با داماد او شد. پس از درگذشت کاشغری، دست ارادت به جانشین او خواجه ناصرالدین عبدالله معروف به «خواجه احرار» (متوفی ۸۹۵ ق.) داد و در سمرقند و خراسان به دیدار او رفت و مکاتبات بسیار با او داشت و در آثارش او را ستود. از مشایخ دیگری که جامی به دیدار آن‌ها نائل آمد و از محضر آن‌ها بهره‌مند شد باید از خواجه محمد پارسا، مولانا فخرالدین لرستانی، خواجه بهازالدین ابونصر پارسا، خواجه شمس‌الدین محمد کوسویی، جلال‌الدین بورانی نام برد. تقرباً به همین سنین بایقرا چندان بود که امرا و رجال او را شفیع کارهای خود می‌ساختند. او حتی در امور سیاسی و دولتی نیز طرف مشورت بایقرا و وزیران او بوده است. در بسیاری از تألیفات خود، سواره نام و یاد این سلطان را گرامی داشته است و در دیوان نیز از گفتن قصیده‌های غراً در ستایش او باز نمانده است. در واقع، چنان‌که اشاره شد، مهم‌ترین دوران زندگی ادبی و علمی جامی در زمان این سلطان سپری شده است (نک: صفاء، ج ۴، ص ۳۵۸). به‌علاوه، او با پادشاهان عثمانی، که در تمام کشورهای آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان فرمانروایی داشتند، مراوده داشته است، چنان‌که سلطان محمد دوم، ملقب به «فاتح» (حک: ۸۸۰-۸۸۶ ق. / ۱۴۵۱-۱۴۸۱ م.) را، که می‌کوشید تا او را به قسطنطنیه جذب کند و ۵۰۰۰ اشرفی طلا برای او فرستاد و همچنین

سلطان بایزید دوم (حک: ۸۸۶-۹۱۸ ق. / ۱۴۸۱-۱۵۱۰ م.) را در شعر خود ستوده و با او مکاتبی داشته و دفتر سوم سلسله‌الذهب را به نام او مصدر ساخته است.

جامی به سبب علو مقام ادبی و علمی و معنوی‌ای که داشت، پیش از آنکه به دوران کهولت برسد، در همه‌ی ممالکی که آن روز زیر سیطره و حکومت زبان فارسی قرار داشت، یعنی از امپراطوری عثمانی تا قلب قاره‌ی آسیا و هندوستان، شهرت یافت. به گفته‌ی امیر علیشیرنویسی (ص ۱۲)، در هرات «اقامتگاه ایشان مرجع جمیع علما و اشراف شهر و ارکان دولت و اعیان حسرت و مجمع ارجمندان عهد بود» (روشن، ۱۳۸۶: ۴۹۳-۴۹۴).

جامی به روایت ابوالقاسم بابر نوشتن آغاز کرد. در زمان سلطان سعید ابوالخیر گورکانی، آخرین پادشاه معروف سلسله‌ی تیموری، به ترتیب به سرودن دیوان اول و تألیف بعضی رسائل تصوف پرداخت و سایر مؤلفات خود را در زمان سلطان حسین بایقرا نوشت. در مثنویات او، که هفت اورنگ نام دارد، حاصل سالهای ۵۸ تا ۷۲ سالگی اوست، نخست تتبع خمسه‌ی نظامی و خمسه‌ی امیر خسرو دهلوی کرده است و سپس دو مثنوی دیگر یعنی سلسله‌الذهب و سبحة‌الابرار به آن‌ها می‌افزاید. در تعداد آثار او اختلاف است. او با آنکه دارای تألیفات فراوانی است، ولی به سبب اشعار خود شهرت یافته است (روشن، ۱۳۸۶: ۴۹۳-۴۹۴).

افکار و عقاید عبدالرحمن جامی:

جامی سنی حنفی بود و در طرد و رد «روافض» (شیعیان یا اصحاب اهل سنت) تعصبی داشت، چنان‌که در اقامت چهارماهه‌اش در بغداد، شیعیان آنجا سخن به او اعتراض کردند تا جایی که به خطر افتاد و به دخالت قاضی‌القضاة بغداد و برخی رجال دیگر آنجا توانست در امان بماند (روشن، ۱۳۸۶: ۴۹۳).

خلاصه عقاید جامی در این ابیات مندرج است:

ای کاشف شده به سر قدر	پرده جد و اجتماع صدر
بگذر از خویش و در خدای گریز	بکسل از خویش و در خدای آویز
کر چه تو را اقتدار معموری	لیک در اقتدار مجبوری
قابلی ز اقتدار خود عاری	کشته انحال حق بر آن جاری
هر چه با بی شرب آن انحال	بگر از دو نیست بیرون حال
یا ز اسباب قرب و سمان است	یا ز آثار بعد و خذلان است
کز ز قسم تحت باشد کار	نعمت حق شناسی و سکر گزار
وز قسم دوم بود کارت	شمر از نفس زشت کردارت
جرم و عصیان به سوی خویش فلک	سر سرزندگی به پیش افکن

(حکمت، ۱۳۶۳: ۱۳۷-۱۳۸)

آثار عبدالرحمن جامی:

الف - آثار منظوم او:

۱. سلسله الذهب (اورنگ اول از هفت اورنگ). دفتر اول این مثنوی، در بحر خفیف، در مباحث عالی عرفانی و اخلاقی بر شیوه‌ی حدیقه الحقیقه سنایی غزنوی و جام جم اوحدی مراغه‌ای و میان سالهای ۸۷۳-۸۷۷ ق. و به نام حسین بایقرا سروده شده و شمار بیت‌های آن ۳۷۳۰ است. دفتر دوم آن نیز در همان بحر و در شرح حبّه الهی و عشق معنوی و سرگذشت بزرگان عرفان (بایزید بسطامی و ذوالنون مصری و شمس تبریزی و اوحالدین کرمانی و محیی‌الدین ابن عربی و معروف کرخی و بشر حافی و ابوعلی دقاق) است. این دفتر نیمی از حجم دفتر اول را در بر می‌گیرد و سال‌ها پس از آن، در ۸۹۰ ق، به نظم درآمده است. دفتر سوم، باز در همان بحر.